

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۹/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۲۸

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی
سال سوم، شماره ۱۱، زمستان ۱۳۹۳

مقایسه تطبیقی نام امام زمان علیه السلام بر سکه‌های صفوی و پس از آن

عباس سرافرازی*

چکیده

ضرب سکه از دیرباز، نشان‌گر گرایش‌های سیاسی - مذهبی صاحبان آن‌ها بوده است. سکه‌های اسلامی از آغاز، دارای گرایش‌های مذهبی بود؛ چنان‌که از دوره مغول، نام ائمه اطهار علیهم السلام به طور رسمی در سکه‌ها ضرب شد و از دوره صفویه، نام امام زمان علیه السلام همراه نام دیگر ائمه در سکه‌ها آمد. پس از سقوط صفویه، قرار گرفتن نام امام زمان علیه السلام در سکه‌ها فزونی یافت. دلیل این امر، بی‌هویتی و نداشتن مشروعیت مذهبی برخی حکومت‌ها بود. آنان برای مذهبی نشان دادن خود و کسب مشروعیت، نام امام زمان علیه السلام را بر روی سکه آوردند و سکه‌های صاحب‌الزمانی ضرب کردند. از دوره زندیه، سکه‌های صاحب‌الزمانی رواج پیدا کرد و تا ابتدای دوره پهلوی نیز نام امام مهدی علیه السلام در سکه‌های رایج نوشته می‌شد.

این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش است که چه انگیزه‌هایی در تکرار نام امام زمان علیه السلام بر سکه‌ها نقش داشت.

واژگان کلیدی

صاحب‌الزمان، سکه‌ها، سلسله‌های حکومتی، سکه‌های شیعی.

مقدمه

علم سکه‌شناسی می‌تواند آگاهی‌های سودمندی از وقایع و رخداد‌های تاریخی را آشکار سازد، سکه‌ها و شعائر نقر شده بر روی آن‌ها بیان‌گر اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی روزگار گذشته است، سکه‌ها در هر دوره نمادی از مذهب، آداب و رسوم، خط و زبان آن دوره است، سکه‌ها سندهای دست‌نخورده تاریخی هستند که برای برخی از ابهامات تاریخی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد در ضرورت فرهنگ‌شناسی ضرب سکه بایستی اذعان نمود که در قلمرو تاریخ هنر، باستان‌شناسی، مردم‌شناسی و شناخت اسطوره‌ها و خط‌نگاری و تصویر و علوم انسانی اطلاعات ذی‌قیمتی برسکه‌ها وجود دارد که همواره اطلاع‌رسان و دست‌مایه‌ای ارزنده برای پژوهش‌گران است، سکه‌ها با این‌که در اختیار حاکمان زمان بوده‌اند اما نشان می‌دهند برای رضایت اتباع خود به اعتقادات مردم احترام می‌گذاشته‌اند.

سؤال پژوهش

این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که در دوره صفویه از نظر نقر نام امام زمان برسکه‌ها با این‌که آنان حکومتی شیعی و ذریه علوی بودند چه تفاوتی با حکومت‌های پس از آنان به وجود آمده است؟

فرضیه‌ها

فرضیه مطرح شده آن است که بررسی تطبیقی سکه‌ها پس از صفویه نشان می‌دهد که گرایش به نقر نام امام زمان برسکه‌های پس از صفویه افزایش بیشتری یافته است و سکه‌های صاحب‌الزمانی رواج یافته است که علت آن را می‌توان در عدم مشروعیت مذهبی سلسله‌هایی مانند افشاریه، زندیه و قاجاریه دانست.

پیشینه پژوهش

در زمینه پیشینه تحقیق گفتنی است که در مورد سکه‌های دوره صفویه و پس از آن کارهایی صورت پذیرفته از جمله کتاب *سکه شاهان ایران از آغاز تا پایان ضرب سکه* نوشته احمد شاهد و تاریخ سکه دوره قاجاریه تألیف داریوش شهبازی و *سکه‌های دوره صفویه* نوشته فرزانه قائینی اما این تحقیقات بیشتر به معرفی سکه‌های موزه‌های خصوصی و عمومی پرداخته‌اند و سکه‌ها را از نظر بررسی ضرابخانه‌ها، تاریخ ضرب، تعیین جنس، تزئینات و نوع خط و غیره مورد بررسی

قرار داده‌اند. می‌توان گفت از نظر اجتماعی و مذهبی و بررسی شعائر روی سکه‌ها کاری انجام نداده‌اند بررسی شعائر سیاسی و مذهبی و القاب روی سکه‌ها با عنایت به رویدادهای تاریخی کاری است که تسلط دقیق بر مباحث تاریخی را طلب می‌کند در این پژوهش روند روبه رشد استفاده از نام مبارک امام زمان و بررسی تطبیقی آن بین دوره صفویه و پس از آن مورد توجه بوده که در این زمینه هیچ‌گونه تحقیق مستقلی قبلاً صورت نپذیرفته است.

روش تحقیق

این پژوهش تلاش دارد دگرگونی در شعائر اسلامی خصوصاً نام مبارک امام زمان را با تکیه بر پژوهش‌های تاریخی مستند و کتابخانه‌ای به صورت تطبیقی از ابتدای دوره صفویه به بعد را مورد بررسی قرار دهد و برای رسیدن به نتیجه مطلوب سکه‌های مختلف را با تکیه بر منابع سکه‌شناسی مورد بررسی و امعان نظر قرار داده است. هدف از انجام این تحقیق کمک به دست‌یابی به عوامل موثر در رواج و توسعه نام مبارک امام عصر علیه السلام بر سکه‌های اسلامی است. اندیشه مهدویت و انتظار ظهور امام زمان علیه السلام خود را در سکه‌های پادشاهان مسلمان نشان داده است، گرچه سکه‌های صاحب‌الزمانی بیشتر پس از سقوط صفویه در دوره‌های افشاریه، زندیه و قاجاریه ضرب شده است، اما نقر نام امام مهدی علیه السلام بر سکه‌ها به مدت‌ها قبل از آن بر می‌گردد، در دوره ایلخانی تحولات مهمی در زمینه ضرب سکه‌ها به وقوع پیوست که از جمله آن‌ها نقر شعائر شیعی مثل تشهد بر سکه‌ها بود، علاوه بر آن نام دوازده امام برای اولین بار از این زمان بر سکه‌ها معمول گردید، اولین پادشاهی که نام ائمه اطهار علیهم السلام را بر سکه آورد غازان خان بود (۶۹۴ تا ۷۰۳ هـ - ۱۲۹۶-۱۳۰۴ م) وی در اول شعبان سال ۶۹۴ ق / شانزدهم ژوئن ۱۲۹۵ م، چند ماهی پس از جلوس بر تخت ایلخانی، در فیروزکوه در حضور شیخ صدرالدین ابراهیم حموی به آئین اسلام درآمد و نام اسلامی محمود را بر خود نهاد (بویل، ۱۳۶۶: ۵۱۴) و در روزگار سلطنت خود تا جایی که توانایی داشت اسلام و مسلمانی را تقویت کرد، اگرچه شیعه بودن غازان خان روشن و ثابت نیست، ولی در تمایل او به تشیع و ارادت ورزی به خاندان رسول اکرم و احترام فوق‌العاده وی به سادات تردیدی نیست (اقبال آشتیانی، ۱۳۶۴: ۱۷۹).

خواجه رشید الدین فضل الله در تاریخ مبارک غازانی از نقش اسامی ائمه دوازده گانه بر سکه‌های دوره غازانی خبر می‌دهد «(مرتضوی، ۱۳۶۴: ۱۷۹) ممکن است یکی از علت‌های توجه غازان خان به مذهب تشیع با این‌که خود مذهب حنفی داشت به آن خاطر باشد که

شیعیان نیروی مهمی در آن زمان محسوب می‌شدند و تشیع رو به گسترش بود، جالب توجه آن است که غازان برای امامان شیعه احترام بسیاری قائل بود. او به هر صورت در راستای اهداف سیاسی و مذهبی خویش باید جانب شیعیان را نگه دارد و این امر از آن جا نمایان است که وی دستور داد نام امامان شیعه بر «درست طلا» که نوعی سکه با ارزش و وزن بسیار زیاد صد مثقالی بود نقر کنند. این سکه‌ها بیشتر جنبه تشریفاتی داشته و به طریق انعام و هدیه در جشن‌ها و اعیاد به شخصیت‌ها داده می‌شد. بر روی درست‌های طلا نام سلطان، آیات قرآن و اسامی دوازده امام نقر شده که حک اسامی دوازده امام برای اولین بار بر روی سکه‌ها نمایانگر اهمیت و رونق تشیع در این دوره است (اشپولر، ۱۳۶۸: ۴۶۳). برخی حتی گرایش وی به تشیع را قطعی می‌دانند. غازان در گرایش قطعی خود به مذهب تشیع به زیارت اماکن مقدس شیعه در بین النهرین می‌رفت و احتمالاً حتی سکه‌هایی که می‌زد دارای نقوش نوع شیعیان بود (بویل، ۱۳۶۶: ۵۱۵). نقر اسامی دوازده امام برای اولین بار بر روی این سکه‌ها نمایان گر اهمیت و رونق تشیع در این دوره است (بیانی، ۱۳۷۱: ج ۲، ۴۵۶).

سلطان محمد اولجایتو (۷۱۶-۷۰۳ هـ) هشتمین ایلخان مغول بود که پس از غازان خان پادشاه گردید از وی سکه‌های بسیاری بر جای مانده است، از سکه‌های ارزشمند موجود در گنجینه سکه آستان قدس رضوی یکی درهم نقره اولجایتو است که به نام دوازده امام شیعیان مزین است. این سکه در اواخر حکومت این ایلخان مغول و پس از تشرّف وی به مذهب تشیع در کاشان ضرب شده است. متن روی سکه «ضرب فی ایام الدوله المولی السلطان الاعظم مالک الرقاب الامم اولجایتو سلطان غیاث الدین و الدین خدا بنده محمد خلدالله ملکه» و متن پشت سکه «لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله اللهم صل علی محمد و علی والحسن و الحسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و محمد» است. در سکه دیگری از وی برای اولین بار نام امام زمان علیه السلام به صورت «محمد الحجة» ذکر گردیده است (معطوفی، ۱۳۹۲: ۲۰۳) که آوردن صفت حجت دقیقاً اشاره به روایتی از خود حضرت قائم است که خود را حجة الله نامیدند، در دوره ابوسعید بهادر خان (۷۱۶-۷۳۶) ضرب سکه در شکل و تراز تشیع ادامه یافت و در بعضی نواحی که اکثر مردم شیعه بودند، مانند مازندران و شهر آمل که طرفدار علویان بودند نام دوازده امام بر سکه‌ها نقش زده می‌شد.

پس از فروپاشی ایلخانان در دوره‌ای که به نام دوره فطرت پدید آمد سلسله‌های حکومتی مختلفی شکل گرفتند که برخی شیعه و برخی اهل سنت بودند، تقریباً اکثریت آنان نام ائمه

اطهار علیهم السلام را بر سکه آوردند، از طغایمورخان (۷۳۲ - ۷۵۲) اهل سنت که در خراسان و مازندران و استرآباد حکومت می‌کرد و معروفیتی داشت سکه‌هایی با فرمول شیعی و سنی به دست آمده است. جالب است که با این که وی سنی بوده و با سربداران شیعه مذهب جنگ و اختلاف داشت در سال ۷۴۲ هجری سکه‌ای کاملاً شیعی ضرب کرده است، روی سکه: «الله / لاله الا / محمد / رسول الله / علی ولی الله»، حاشیه بین دایره میانی و بیرونی کلمات: «اللهم صلی علی محمد و علی و الحسن و الحسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و الحسن و محمد». پشت سکه: «السلطان العالم طغای تیمور خان خلد الله ملکه»، حاشیه پشت سکه در فضای بین شش‌گوش و در دایره بیرونی که به وسیله ستاره‌ها جدا شده، این واژه‌ها نقر شده است: «ضرب / فی سنة / اثنین / و اربعین / و سبعمیه» (اسمیت، ۱۳۶۱: ۲۵۳). به احتمال قوی از آن جاکه در منطقه حاکمیت وی یعنی استرآباد و مازندران شیعیان حضور چشم‌گیری داشتند و برای این که از مخالفت مردم و گرایش آنان به سربداران شیعه مذهب بکاهد شعائر شیعی را بر سکه‌های خود نقر نموده است. سربداران (۷۳۷ - ۷۸۳) که در دوران ضعف و فروپاشی حکومت ایلخانان قدرت گرفتند، سکه‌هایی با شعارهای شیعه ضرب کردند، یکی از شیعی‌ترین و پرشعارترین سکه‌های سربداری سکه‌ای درشت و بدون نقش است و بر آن عبارت «علی ولی الله / علی الولی» و اسامی دوازده امام با کنیه آنان نقش بسته همچنین از حضرت صاحب الزمان امام دوازدهم علاوه بر «محمد الحجة» به عنوان «خلف الله» یاد شده است.

یک سکه از امیر تیمور (۷۷۱ - ۸۰۷) از جنس نقره به وزن ۴ گرم به دست آمده که در پشت سکه در وسط آن «لا اله الا الله / محمد رسول الله / علی ولی الله» و در حاشیه پشت سکه نام مبارک دوازده امام شیعیان نقر شده است (طباطبایی، ۱۳۴۷: ۵۵) از شیخ حسن بزرگ جلایری (۷۳۶-۷۵۷) سکه‌ای به ضرب آمل وجود دارد در حاشیه پشت سکه: نام دوازده امام شیعه و «صلی علی محمد» نقر شده است. آنان بر روی سکه‌های خود مانند دوره ایلخانان نام سه خلیفه را گرفته‌اند و نام علی علیه السلام را اضافه کرده‌اند (بیانی، ۱۳۷۹: ۲۳۷) در دوره آق قوینلوها (۷۸۰ - ۹۰۸) که اهل سنت بودند نیز محمد بهادرخان (۹۰۶ - ۹۰۷) سکه‌ای با ذکر نام دوازده امام ضرب نموده است (شریعت‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۵۵). به هر صورت نام مقدس امام زمان تا دوره صفویه بیشتر همراه نام دیگر ائمه اطهار در سکه‌ها ذکر می‌شد. در این سکه‌ها عموماً نام آن حضرت به عنوان: محمد، الحجه، محمد مهدی آورده می‌شد.

نام امام زمان علیه السلام بر سکه‌های صفویه

حکومت شیعه مذهب صفویان در سال ۹۰۵ هـ توسط شاه اسماعیل (۹۰۵ - ۹۳۰) شکل گرفت و مذهب تشیع در ایران رسمیت یافت با روی کار آمدن صفویان تحول مهمی نیز در ذکر شعائر بر سکه‌ها به وجود آمد و واژگان و جملاتی خاص بر سکه‌ها نقر گردید و شعائر شیعی افزایش یافت و نام دوازده امام و حضرت صاحب الزمان علیه السلام نمود برجسته‌ای در سکه‌ها پیدا کرد و از همان دوره شاه اسماعیل اول نام ائمه اطهار بر سکه‌ها درج گردید، برای اولین بار در دوره شاه طهماسب اول (۹۳۰ - ۹۸۴) وی خود را بر سکه‌ها «غلام امام مهدی علیه السلام» نامید و بر سکه خود این‌گونه نوشت: «غلام امام مهدی علیه السلام السلطان العادل ابوالمظفر پادشاه طهماسب الصفوی خلد الله ملکه» (قائینی، ۱۳۸۸: ۱۱۶) هم‌زمان با شاه اسماعیل و فرزندش که توجه به امام زمان افزایش یافته بود یکی از حکمرانان ازبک به نام ابوالفتح خان محمد شیبانی سکه‌ای ضرب نمود که خود را «عدل امام زمان خلیفه الرحمن ابوالفتح محمد شیبانی خان خلد الله تعالی ملکه و سلطانه نامید» (Rabiho: 35; 1974).

کاملاً مشخص است که به کار بردن عنوان امام زمان در رقابت با سلاطین صفوی و ادعای نیابت امام زمانی شاه اسماعیل صفوی است، از دیگر سلاطین صفویه محمد خدابنده (۹۸۵ - ۹۹۶) فرزند شاه طهماسب مانند پدر در دو سکه مختلف با عبارات متفاوت خود را «غلام حضرت مهدی» نامید بر یک سکه نوشت: «غلام امام مهدی علیه السلام السلطان العادل ابوالمظفر سلطان محمد خدابنده خلد الله ملکه» و بر سکه‌ای دیگر: «غلام امام محمد مهدی علیه و آباءه السلام سلطان ابوالمظفر محمد پادشاه بن طهماسب حسینی خلد الله ملکه» (قائینی، ۱۳۸۸: ۱۲۵) در سکه‌های شاه عباس دوم (۱۰۵۲ - ۱۰۷۷) نیز از امام زمان علیه السلام با نام «المهدی» و «محمد المهدی» یاد شده است (همو: ۱۳۳).

در سکه‌های صفوی به رغم این که برخی بر شجره‌نامه آن‌ها تشکیک روا داشته‌اند، واژه «الحسینی» در عبارات روی سکه‌ها به کار رفته است. صفویان به خاطر شجره‌نامه‌ای که داشته‌اند و خود را ذریه علوی و از خاندان آل رسول می‌دانستند، احتیاجی نداشتند از نام امام زمان به صورت گسترده استفاده کنند؛ چون آنان به نحوی خود را نایب امام زمان علیه السلام می‌دانستند. این مدعا که خاندان صفوی از پدر به امام هفتم شیعیان نسب می‌رسانند باعث شده بود شاه صفوی در مقام نایب مهدی علیه السلام از دیگران به منبع حقیقت مطلق نزدیک تر باشد

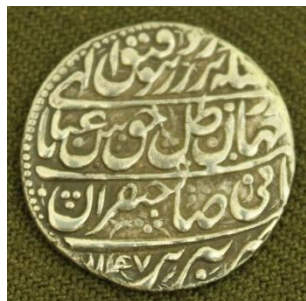
و در نتیجه مخالفت با وی گناه بود (سیوری، ۱۳۸۰: ۱۳۷).

از سکه‌های صفوی دو مطلب کاملاً آشکار است که با نوشته‌ها و مطالب تاریخی و گفته‌های محققان اخیر مغایرت دارد، با این که در خصوص سیادت صفویان تردید وارد شده است و حتی احمد کسروی اعلام کرده که شاه اسماعیل نیز ادعای سیادت نداشته و در کتیبه بنای مسجد ساوه که در سال ۹۲۴ ق / ۱۵۱۸ م توسط شاه اسماعیل موجود است که وی پشت خود را به امام موسی کاظم علیه السلام نسبت داده و کلمه «الحسینی» را در عبارات روی سکه به کار برده است (همو: ۱۰۹). مسئله دیگر بحث نیابت امام زمانی شاهان صفوی است با این که محققان غربی اعتقاد دارند که شاهان صفوی مدعی نیابت امام زمان را داشته‌اند، ولی سکه‌های صفوی نشان‌گر این ادعا نیست و در دوره شاه اسماعیل و شاه طهماسب هیچ‌گونه ادعایی مبنی بر نیابت امام زمانی آن‌ها بر سکه‌ها وجود ندارد بلکه در سکه‌های شاه طهماسب غلام امام مهدی و در سکه‌های سلطان محمد خدابنده عبارت غلام امام محمد مهدی علیه السلام نقش بسته است و در تمامی سکه‌ها نام ائمه اطهار ذکر شده است.

نام امام زمان علیه السلام بر سکه‌های دوره‌های افشاریه و زندیه

سلسله صفویه که دارای مشروعیتی مذهبی بودند و ۲۳۰ سال زعامت معنوی داشتند و ذریه علوی محسوب می‌شدند توسط محمود غلجه زایی اهل سنت سقوط کردند، جامعه پذیرای حاکمانی غیر از پادشاهی که ریشه و اصالت مذهبی داشته و علوی و سادات باشند نبودند به همین خاطر زمانی که نادر شاه افشار توانست اشرف افغان را شکست دهد (جمادی الثانی ۱۱۴۲ ق) و اصفهان را تصرف نماید خود را پادشاه اعلام نکرد بلکه شاه طهماسب دوم (۱۱۳۵-۱۱۴۴ ق) را به پادشاهی منصوب کرد و به نام وی سکه ضرب نمود.

سه سال بعد به خاطر اشتباهاتی که شاه طهماسب انجام داد نادر افشار وی را از قدرت خلع کرد (ربیع الاول ۱۱۴۵ / اوت ۱۷۳۲ م) اما باز هم خود قدرت را به دست نگرفت بلکه فرزند هشت ماهه شاه طهماسب را به نام شاه عباس سوم به سلطنت برداشت و خود به عنوان نایب السلطنه قرار گرفت (شعبانی، ۱۳۷۸: ۵۵) و به نام عباس سوم (۱۱۴۴ - ۱۱۴۸ ق) سکه ضرب شد. این اعمال نشان‌گر آن است که فضای سیاسی و مذهبی جامعه ایران به گونه‌ای بوده که نادر نمی‌توانست شاهزادگان صفوی را که دارای مشروعیت مذهبی بودند حذف کند و خود مستقیماً قدرت را به دست گیرد و زمان لازم برای این کار فراهم نشده است.



سکه شاه عباس سوم



سکه شاه طهماسب دوم

نادر افشار (۱۱۴۸ - ۱۱۶۰) که در این زمان قدرت بلامنازع در ایران بود و عملاً تمامی اهرم‌های قدرت سیاسی و نظامی را در اختیار داشت در نوروز ۱۱۴۸ ق شاه عباس سوم را با تمهیدات پیچیده‌ای خلع و خود به سلطنت رسید اما چون کاروی دارای مشروعیت مذهبی نبود در دشت مغان مجلس مؤسسان عظیمی تشکیل داد که در آن حدود یکصد هزار نفر از بزرگان مملکتی را گرد آورد تا به وسیله آنان سلطنت خود را رسمیت دهد (مالکم، ۱۸۶۷: ۳۳) وی در محیط ارباب و تهدید حاکمیت را به دست آورد (۱۱۴۴) اما دیری نپایید که در مناطق مختلف ایران شورش‌هایی صورت پذیرفت که منجر به قتل نادر گردید (۱۱۶۰) پس از قتل نادر سرجنابانان و مدعیانی در صدد به دست آوردن قدرت برآمدند در حالی که هیچ کدام مشروعیت مذهبی لازم را نداشتند بازماندگان نادر و روسای ایلات هر کدام با پایگاه ضعیف اجتماعی و مذهبی که داشتند بخت خود را برای دستیابی به قدرت آزمودند اما به دلیل عدم مشروعیت مذهبی در جامعه ایران حتی مقتدرترین آنان کریم خان زند نتوانست بر تمامی ایران مسلط شود، در منازعاتی که بین مدعیان قدرت بوقوع پیوست در ابتدا آنان «مجبور شدند مانند نادرشاه افشار یک نفر از خاندان صفوی را به حکومت منصوب نمایند، ابوالفتح خان و علی مردان بختیاری و کریم خان زند پیمان سه جانبه‌ای منعقد کردند که بر اساس آن میرزا ابوتراب فرزند خردسال میرزا مرتضی صدرالصدور را که نواده دختری شاه سلطان حسین صفوی بود را با نام شاه اسماعیل سوم به قدرت رسانند و به نام وی سکه ضرب شد (شعبانی، ۱۳۷۸: ۱۶۰).

در نهایت در مبارزاتی که بین این گروه مدعیان حکومت به وقوع پیوست، کریم خان موفقیت حاصل کرد دو گروه مدعیان قدرت چون مشروعیت مذهبی نداشتند در پناه نام امامان قرار گرفتند و در این زمان افرادی که به نام خود سکه زدند به دو دسته تقسیم می‌شوند یک

گروه آنان که در خراسان به مرکزیت مشهد فعال بودند از قبیل: برادرزاده نادرعلی قلی خان (عادل شاه ۱۱۶۱ - ۱۱۶۱ق) و برادرزاده دیگر نادر محمد علی بیگ (ابراهیم شاه ۱۱۶۱ - ۱۱۶۱ هـ) و شاهرخ (۱۱۶۱ - ۱۲۱۰ هـ) نوه نادر، گروه دیگر در نواحی غربی و مرکزی کشور شامل آذربایجان، فارس و اصفهان در تقلا برای حاکمیت بودند، هر دو گروه مجبور بودند برای مشروعیت مذهبی که دارا نبودند از شعائر مذهبی استفاده نمایند و نام ائمه اطهار علیهم السلام را در سکه های خود بیاورند، آنان که در خراسان بودند نام مبارک امام رضا علیه السلام را بر سکه آوردند «علیقلی خان نام آن حضرت را بر سکه خود نقر کرد و شاهرخ نیز با اشعاری خود را وابسته آن امام نامید و این اشعار را بر سکه های خود نقر نمود: زد در جهان به حکم خدا / شاهرخ کلب آستان رضا و سکه زد از سعی نادر ثانی صاحبقران / کلب سلطان خراسان شاهرخ شاه جهان (شاهد، ۱۳۸۹: ۲۱۶) رابینو از یک سکه شاهرخ با شعر: تا ز روسیم در جهان باشد / سکه صاحب الزمان باشد، نیز یاد می کند (Rabiho: 30: 1974).

در نواحی غربی ایران مدعیان حکومت از قبیل: ابراهیم شاه، آزاد خان افغان و کریم خان زند (۱۱۶۳ - ۱۱۹۳ هـ) و جانشینان او بیشتر نام حضرت صاحب الزمان علیه السلام را بر سکه های خود نقر نمودند. البته آنان مدعی مهدویت نبودند، بلکه در صدد بودند بحران مشروعیت مذهبی خود را با نقر سکه به نام امام زمان علیه السلام برطرف نمایند. آنان سودجویانی بودند که با ضرب سکه های صاحب الزمانی در صدد به دست آوردن محبوبیت مذهبی برای خود بودند؛ چون علمایی مانند ملامحمد باقر شیخ الاسلام شهیر به مجلسی به براهین آیات قرآنی احکام صریح صادر نموده که سلسله جلیله ملوک صفویه نسل بعد نسل بی شک به ظهور قائم آل محمد خواهد رسید (آصف، ۱۳۸۲: ۸۵).

ادعاهای این چنینی باعث شد همه مدعیان به نحوی خود را ارادتمند امام حجة بن الحسن معرفی نمایند و می دانستند مردم حکومت را متعلق به امام زمان می دانند. جالب توجه است که حتی آزاد خان افغان نیز متوجه بود بدون محبوبیت مذهبی شیعی نمی تواند در ایران حاکمیت یابد. از این رو با این که خود اهل سنت بود سکه صاحب الزمانی ضرب نمود وی اهل کابل بود که پس از فتح این شهر توسط نادرشاه (۱۱۵۰ق) به سپاه او پیوست و در لشکرکشی به هندوستان شرکت کرد و تا پایان کار پادشاه افشار در خدمت وی به سر می برد او از ابراهیم شاه برادرزاده نادر، لقب خانی دریافت کرد و پس از شکست ابراهیم خان از شاهرخ میرزا، فرصت را مغتنم شمرده،

ارومیه را تصرف کرد و به حکومت در قسمتی از آذربایجان پرداخت و مدعی تاج و تخت ایران گردید (گلستانه، بی تا: ۱۸۲ و ۱۸۴).



ضرب دار السلطنه اصفهان

سکه صاحب الزمان باشد

تا زروسیم در جهان باشد

این سکه از جنس نقره به وزن یک گرم در سال ۱۱۶۵ در اصفهان و پس از پیروزی آزادخان ضرب شده است، در سال ۱۱۶۷ وی سکه دیگری از جنس نقره به وزن ۱۱/۵ گرم در دار المؤمنین کاشان ضرب نمود که شعر بالا با مقداری تفاوت بر آن نقر شده است:

سکه صاحب الزمان باشد

تا که آزاد در جهان باشد

چون صفویان برای توجیه و مشروعیت قدرت خویش به مرجعیت معنوی خانواده خود (ذریه علوی) بودن متوسل می شدند، کریم خان زند به رغم این که مردی مذهبی بود در برابر خواسته مردم در زمینه ظهور حضرت مهدی علیه السلام سر تسلیم فرود آورد و سکه صاحب الزمان زد (آوری، ۱۳۶۹: ج ۱، ۶۵) او به خاطر مشروعیت خاندان صفوی خود را سلطان یا پادشاه ننماید بلکه خود را وکیل الرعایا می خواند، به هر صورت مدعیانی که در نواحی غربی ایران فعال بودند در مقابل مدعیان خراسانی سکه صاحب الزمانی زدند و ابراهیم شاه برادرزاده نادر اولین فردی بود که به نام حضرت صاحب الزمان علیه السلام سکه زد، رابینو در کتاب سکه ها، نشان ها و مهرهای پادشاهان ایران سکه نقره ای از ابراهیم شاه افشاری را معرفی می نماید که در سال ۱۱۶۱ هجری با نام مبارک "یا صاحب الزمان ادرکنی" ضرب شده است (Rabiho: 29; 1974) از این زمان سکه های صاحب الزمانی زیاد شد چون مدعیان حکومت با شورش شاهزادگان صفوی مواجه بودند بنابراین یکی از مسائلی که پس از سقوط صفویه در باب سکه ها به وجود آمد نقر شدن نام مقدس امام زمان با عنوان "صاحب الزمان" در سکه هاست که تا این زمان سابقه نداشته است.

در زمان حکومت کریم خان زند و جانشینانش سکه‌های صاحب‌الزمانی به وفور ضرب گردید رابینو در کتاب سکه‌ها و نشان‌ها، سکه‌های بسیاری را با عبارات و اشعاری در وصف و ارادتمندی آنان به حضرت صاحب‌العصر و الزمان علیه‌السلام ارائه نموده که در نوع خود بی‌نظیر است در سال‌های اخیر نیز کتاب‌هایی حاوی معرفی سکه‌های موزه‌های ایران و مجموعه سکه‌های کلکسیون‌های شخصی توسط برخی محققان منتشر شده که در آن‌ها نیز سکه‌هایی مربوط به دوره زندیه و با نام حضرت صاحب‌الزمان آمده است، رابینو علاوه بر سکه‌های کریم‌خان از سکه‌های ابوالفتح خان (۱۱۹۳ هـ) نام می‌برد وی فرزند کریم خان زند است که مدت هفتاد روز سلطنت کرد گرچه سکه وی سائیده و ناخواناست اما واژه‌های سیم و زر در جهان و "صاحب‌الزمان" کاملاً مشخص است. از صادق خان (۱۱۹۳ - ۱۱۹۶ هـ) برادر و جانشین دیگر کریم خان نیز یک سکه طلا و چهار سکه نقره معرفی شده که ضرب کاشان و شیراز است و بیت شعر: شد آفتاب و ماه و زر و سیم در جهان / از سکه به حق صاحب‌الزمان در آن‌ها کاملاً نمودار است (Rabiho:19:1974).

علیمراد خان زند (۱۱۹۶ - ۱۱۹۹ هـ) پسر الله مراد خان زند بود که بعد از درگذشت کریم خان چندی با بازماندگانه وی به جنگ پرداخت و در ۱۸ ربیع‌الاول سال ۱۱۹۶ هـ به حکومت رسید و در ۲۸ صفر سال ۱۱۹۹ هـ فوت کرد رابینو از وی شش سکه معرفی کرده است که دو سکه طلا و چهار سکه نقره است در اکثر سکه‌های وی شعر: از سکه به حق صاحب‌الزمان "نقر شده است، جالب است که جعفر خان زند (۱۱۹۹ - ۱۲۰۳ هـ) بر خلاف بقیه حاکمان زند بر سکه خود نوشته است "یا امام جعفر صادق" که این سکه‌ها در نوع خود بی‌نظیر است و تنها سکه‌هایی است که نام امام جعفر صادق علیه‌السلام به صورت مستقل بر آن‌ها نقر شده است که این عمل به خاطر هم نامی جعفر خان با امام ششم علیه‌السلام صورت پذیرفته است.



سکه صاحب‌الزمانی کریم خان زند سکه صاحب‌الزمانی صادق خان زند



سکه صاحب الزمانی ابو الفتح خان زند

سکه صاحب الزمانی علیمراد خان زند

به نظر می‌رسد اساسی‌ترین دلیل در اتصال حکومت‌ها از صفویه به بعد به امام زمان یا مخفی شدن تحت لوای امام زمان برای توجیه مشروعیت حکومت سلاطین در برابر ادعای فقه‌هاست که در زمان غیبت امام زمان حاکمیت را فقها از آن فقیه جامع‌الشرایط می‌دانستند به همین خاطر در دوره صفویه و هرچه به پایان این حکومت نزدیک می‌شویم و آثار ضعف و فروپاشی آنان آشکار می‌گردد نوشتن رساله‌ها در باب اتصال حکومت صفوی به امام زمان بیشتر می‌گردد، پس سقوط صفویان از آن جا که حکومت‌های روی کار آمده مشروعیت مذهبی نداشتند تضاد علما با پادشاهان افزایش می‌یابد و علمای این دوره حاکمیت را از آن پادشاهان قاجاری نمی‌دانند « میرزای قمی (۱۱۵۰/۱۲۳۱ هـ) از واجب‌الاطاعه نبودن پادشاه سخن به میان می‌آورد و فرمانروایان را حاکمان جور می‌نامد وی در کتاب جامع‌الشتات نیابت عام فقیه را از سوی امام با استناد به حدیث‌های پرآوازه‌ای مانند «مقبوله عمر بن حنظله» مورد تأیید قرار می‌دهد (حائری، ۱۳۶۷: ۳۲۷) کاشف‌الغطا نیز هرگز حکومت شاه قاجاری را حکومت اسلامی نمی‌دانست و اجازه نمی‌داد شاه بی‌هیچ‌گونه تأیید و اجازه‌ای از سوی علما حکومت خود را مشروع بداند (همو: ۳۳۰) در مقابل چنین استدلال‌هایی که دیگر علمای دوره قاجار مانند ملا احمد نراقی (۱۱۸۵/۱۲۴۵ هـ) و سید جعفر بن ابی‌اسحاق کشفی (۱۱۸۹/۱۲۶۷) نیز داشتند و هر چهار تن این علما از نظر اصول و تئوری حق حاکمیت را از آن مجتهدان شایسته به عنوان مجریان خواسته‌های امام زمان می‌دانستند، پادشاهان نیز ادعای نیابت امام زمان را برای خود مطرح می‌کردند و سکه‌های امام زمانی ضرب می‌کردند که بر یک طرف آن عبارت صاحب‌الزمان و روی دیگر آن نام خود را نقر می‌نمودند، بنا براین استفاده از باور مهدویت برای مشروعیت حکومت‌ها از روش‌های با سابقه نزد مدعیان قدرت بوده و به همین خاطر مدعیان مهدویت نیز از این اعتقاد سوء استفاده نموده‌اند. ادوار و جریان‌های تاریخی بر رواج سکه‌هایی با نقش مهدوی موثر واقع شده و حکومت‌هایی که دارای ضعف و خلأ مذهبی بوده‌اند برای

این که خود را مذهبی و مورد تأیید امام زمان بنمایانند نام مبارک آن حضرت را بر سکه خود نقر می نمودند.

نام امام زمان علیه السلام بر سکه های قاجاری

تاریخ به ما فرصت می دهد که ارزش های گذشته را بازسازی و ارزیابی نماییم در بین بررسی انواع تاریخ مشکل ترین قسمت آن تاریخ سیاسی - مذهبی است و هرچه به دوران قاجار و تاریخ معاصر نزدیک تر می گردیم به خاطر نزدیک بودن به زمان حاضر و حب و بغض ها و اسناد و مدارک باقی مانده که هرروز چاپ و منتشر می گردند کار موثر سخت تر می گردد. تاریخ معاصر جلوه ای از همه اعصار و قرون تاریخ ایران است سلسله قاجاریه در زمانی پا به عرصه حکمرانی گذاشت که مدعیان قدرت دیگر روسای ایلات و عشایر نبودند بلکه مدعیان سیاسی و مذهبی با اندیشه های متفاوت پا به میدان گذاشته بودند و روابط پیچیده ای حکمفرما گردیده بود، قاجارها به خاطر این که از اصل و نسب غیر ایرانی داشتند از همان ابتدا مانند حکومت های افشاریه و زندیه با عدم مشروعیت مذهبی مواجه بودند با این تفاوت که در دوره دو حکومت قبلی سازمان روحانیت شیعه که پس از فروپاشی حکومت صفوی زعامت سیاسی مذهبی خود را از دست داده بود هنوز نتوانسته بود خود را بازسازی کند، در حالی که با روی کار آمدن قاجارها تشکیلات علما مجدداً احیاء شده و نظریه پردازان و علمای مذهبی در خصوص اصل حاکمیت و مشروعیت آن مطالبی را عنوان می نمودند از آغاز شکل گیری حکومت قاجارها و در زمان بنیان گذار آن سلسله یعنی آقا محمد خان قاجار یکی از جسورترین علمای شیعی به نام میرزای قمی کتاب هایی به نام ارشاد نامه و جامع الشتات نوشت که در آن ها حاکمیت را از آن علما و فقها دانست که چون توانایی بسنده ای ندارند باید شیوه " المماشات مع الخلفاء الجور " را برگزینند (قمی، ۱۳۹۶: ج ۱، ۸۸) او در مورد نبودن حقی مشروع و خدایی و اصیل برای پادشاه قاجاری گویا و روشن سخن گفت وی و دیگر علمای شیعی دوره قاجار مانند: ملا احمد نراقی، سید جعفر ابی اسحاق کشفی و کاشف الغطاء اعتقاد داشتند که حاکمیت از آن امام زمان است و در تئوری معتقد به امامت و رهبری امام زمان بودند گرچه در عمل چون قدرت در دست پادشاهانی بود که آن را با زور و تکیه بر شمشیر به دست آورده بودند و به خاطر تهدیداتی که بلاد مسلمین می گردید و به خاطر حفظ نفوس مردم ایران سیاست مماشات با حاکمان جور قاجار را رعایت می کردند آنان در چهارچوب تئوری و اندیشه حکومت شاهان قاجار را به رسمیت

نمی‌شناختند اما در عمل با آنان همکاری می‌کردند و از خداوند می‌خواستند حکومت آنان را جزو اعوان و انصار آل محمد قرار دهد (حائری، ۱۳۶۷: ۳۱۷) نقش مخالفت علما در ایران زمان قاجار بسیار مستند است، از یک لحاظ مخالفت و عدم همکاری علما با رژیم قاجار مبتنی بر این باور بود که در زمان غیبت امام زمان علیه السلام اعمال قدرت از سوی شاه و مأموران او مشروعیت ندارد اما از لحاظی دیگر گردش عملی جامعه نوعی مصالحه را اقتضا می‌کرد که بر اساس آن فرمانروا می‌توانست تا زمانی که مقداری تقوا داشته و احترام علما و اسلام را داشته باشد به عنوان زمامدار خاص مورد پذیرش واقع شود، آقامحمد خان و فتحعلی شاه چنین موقعیتی داشتند، (Algar, 1969: 153) البته پادشاهان قاجار در ابتدا روابط مناسبی با علما داشتند و در بحث جنگ‌های ایران و روسیه همکاری بسیار نزدیکی بین آنان وجود داشت. آقا محمد خان قاجار احترام زیادی برای علما قائل بود و با بخشیدن اقطاع و موقوفه از آنان حمایت می‌کرد وی مراسم و عبادات مذهبی را به جای می‌آورد و مورد حمایت علما قرار داشت (آوری، ۱۳۸۷: ۱۸۵) گرچه در دوره‌های بعد به خاطر نفوذ فرهنگ غرب و تمایل دربار قاجار به فرهنگ و مدنیت غربی اختلافاتی بین آنان و علما به وجود آمد.

پادشاهان قاجار به خاطر عدم مشروعیت مذهبی و عدم تأیید از جانب علما همیشه در صدد بودند با اعمال سیاست‌های مختلف این نقیصه را جبران نمایند و دست به اقداماتی می‌زدند از قبیل: برپایی مراسم مذهبی و عزاداری، انتساب القاب مذهبی به خود مانند: ظل الله، قبله عالم، تعمیر و مرمت آثار و ابنیه مذهبی و همچنین مانند پادشاهان قبلی ضرب سکه‌های صاحب الزمانی با شعائر مذهبی و دینی، پادشاهان قاجار از همان ابتداء به خاطر عدم مشروعیت مذهبی که داشتند دوراندیشانه اقدام به ضرب سکه‌های "صاحب الزمانی" نمودند گرچه این عمل پس از آشنایی با فرهنگ و تمدن غربی و رسوخ افکار ملی‌گرایانه و ناسیونالیستی از دوره فتحعلی شاه کمتر گردید ولی می‌توان گفت تقریباً تا پایان دوره قاجار هرکدام از پادشاهان قاجار به نام حضرت صاحب الزمان علیه السلام سکه زدند که مهم‌ترین آن‌ها به این شرح است:

محمدحسن خان قاجار پدر آقامحمد خان قاجار بود که به عنوان سلطان بی‌تاج و تخت قاجار مدت‌ها در استرآباد، تهران و نواحی غربی و مرکزی کشور تلاش‌هایی انجام داد و عاقبت توسط عمال کریم خان زند کشته شد وی سکه‌های متفاوتی را ضرب نمود رابینو تعداد چهار سکه طلا و سه سکه نقره از وی معرفی کرده وی سکه‌هایی به نام امام رضا علیه السلام و سکه‌هایی به

نام حضرت " صاحب الزمان " ضرب نموده است که در آن ها شعر: شد آفتاب و ماه و زروسیم در جهان / از سکه امام بحق صاحب الزمان نقر شده است.



بیشترین سکه های «صاحب الزمانی» متعلق به آقا محمد خان قاجار (۱۱۹۳ - ۱۲۱۱ هـ) است وی ارادت خاصی به امام زمان داشت و بر سکه های وی شعائر شیعی بسیاری وجود دارد بر سکه های وی این شعائر وجود دارد: یا صاحب الزمان، به زروسیم تا نشان باشد / سکه صاحب الزمان باشد، تا زروسیم را نشان باشد / سکه صاحب الزمان باشد، تا زروسیم در جهان باشد / سکه صاحب الزمان باشد، شد آفتاب و ماه و زروسیم در جهان / از سکه امام بحق صاحب الزمان (شهبازی، ۱۳۸۰: ۱۱۱).



سکه آقامحمد خان

پس از آقامحمد خان، در دوران فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۱ - ۱۲۵۰ هـ) با این که ۳۷ سال حکومت کرد هیچ گونه سکه ای به نام امام زمان علیه السلام ضرب نگردید به نظر می رسد رشد بسیار زیاد گرایش به ظهور آقا امام زمان که پس از فروپاشی صفویان و کشتار و بی رحمی های محمود و اشرف افغان به وجود آمده بود باعث گردید عده ای در صدد برآمدند از این انتظار و احساس مذهبی استفاده نمایند و شخصی « به نام محمد علی معروف به باب که یک بازرگان شیرازی بود تفسیر جدیدی از سنت های مربوط به امام غایب ارائه داد و ادعای دروغین نمود وی اظهار

نمود عصر جدید و زمان بازگشت امام غایب فرارسیده است (آوری، ۱۳۸۷: ۲۳۲) وی پس از مدتی پا را فراتر و خود را امام غایب دانست که در طی هزار سال شیعیان انتظار ظهور او را داشته‌اند (اقبال آشتیانی، ۱۳۷۸: ۷۰۱) ادعا مهدویت دروغین محمدعلی باب که دولت‌های روسیه و انگلیس هردو از آن جانب داری می‌کردند و به دنبال تضعیف و تجزیه ایران بودند آشوب‌های بسیاری به وجود آورد، اروپائیان بطور کلی از مقاومت ایرانیان در جنگ‌های ایران و روسیه که با فتاوی‌ای جهادی و نقش مثبت روحانیون شیعه در بسیج مردم علیه کفار روس توأم بود دچار ترس از ایران و انسجام مذهبی در کشور شده بودند و به دنبال ضربه زدن به وحدت مذهبی که در ایران به خاطر رهبری روحانیت ایجاد شده بودند و فرقه‌سازی که در دوره فتحعلی شاه قاجار ایجاد شد به این خاطر بود، آنان حتی آقاخان محلاتی رئیس فرقه اسماعیلیه را نیز علیه دولت مرکزی وادار به شورش کردند. به هر صورت بلوهای به وجود آمده باعث گردید از این زمان در ضرب سکه‌ها توجه کمتری به مسئله مهدویت و ظهور آقا امام زمان علیه السلام گردد و سکه‌های صاحب الزمانی کمتری ضرب گردید. با این وجود محمد شاه قاجار، ناصرالدین شاه (۱۲۶۴ - ۱۳۱۳ هـ)، محمد علی شاه (۱۳۲۴ - ۱۳۴۳ هـ) و احمد شاه قاجار (۱۳۲۷ - ۱۳۴۴ هـ) سکه‌های "صاحب الزمانی را ضرب نمودند (شهبازی، ۱۳۸۰: ۱۴۷ و ۱۷۳)، محمد شاه سکه‌ای با شعری جدید ضرب کرد، لطف حق تا که در جهان باقی است / سکه صاحب الزمان باقی است (همو، ۱۳۸۰: ۱۳۸) مدالی از وی نیز باقی مانده است با عبارت "انا حجة الله و خاصه" و در پشت مدال لطف حق تا که در جهان باقی است / سکه صاحب الزمان باقی است (همان: ۱۴۱) سکه محمد علی شاه را رایینو معرفی کرده است سکه ذیل (Rabiho: 47; 1974) انا حجة الله و خاصه پرتوی از فرمایشات گهربار قائم آل محمد است که فرمودند: «العلما حجتی علیکم و ان حجة الله»، در نگین انگشتر حضرت نیز همین لقب نقش شده است و عبارت انگشتری حضرت این‌گونه است: انا حجة الله و خاصه و در صلوات خاصه حضرت، ایشان حجة الله علی خلقه ذکر شده‌اند.



سکه صاحب الزمانی مظفرالدین شاه و محمد علی شاه قاجار



سکه صاحب الزمانی احمد شاه قاجار

در دوره پهلوی با این که آن حکومت سیاست‌های غیر مذهبی داشت اما برخی اوقات با توجه به فضا مذهبی جامعه و حوادث و رویدادها سکه و مدال‌هایی به نام امام زمان علیه السلام ضرب شده است، یک سکه به وزن ۲۱ گرم در نوروز ۱۳۳۳ شمسی ضرب گردید که بر روی آن نیمرخ محمدرضا پهلوی و ثریا اسفندیاری همسرش با تصویر تاج بر بالای سکه و در پشت سکه شعار "یا صاحب الزمان ادرکنی" نقش بسته است این سکه هفت ماه پس از کودتای امریکایی انگلیسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ضرب گردیده است، مورخ دانشگاه کمبریج از قول رابینو می‌نویسد که ضرب این سکه به خاطر خوابی بوده که محمد رضا پهلوی یکی از ائمه را به خواب دیده است (آوری، ۱۳۸۷: ۱۸۶) در حالی که کاملاً مشخص است پس از کودتای ۲۸ مرداد و سخت‌گیری‌های مذهبی و ضرب و شتم‌های به وجود آمده و سرکوب گروه‌ها و احزاب مذهبی مخالف مشکلاتی را به وجود آورده بود، محمد رضا پهلوی در صدد برآمد با ذکر شعارهای مذهبی از قبیل: السلطان علی ابن موسی الرضا و لافتی الاعلی لاسیف الاذوالفقار و یاصاحب الزمان تظاهر به مذهبی بودن نماید و نقر این شعائر بر سکه‌ها در همین راستا بوده است.



در دوره محمد رضا پهلوی سکه‌های یادبود غیر بانکی بسیاری به مناسبت‌های مختلف

ضرب شده که بر آن‌ها نام مقدس امام زمان علیه السلام نقر شده است از جمله: سکه‌ای در سال ۱۳۲۸ شمسی ضرب گردیده که بر روی آن "یا صاحب الزمان" و بر پشت سکه نقش یک خروس، در سال ۱۳۲۹ شمسی سکه‌ای با عنوان "یا صاحب الزمان" و در پشت نقش یک دست انسان که یک دسته گل در دست دارد، در سال ۱۳۳۱ به یاد بود آغاز سال جدید یک سکه از جنس نقره با شعار "یا صاحب الزمان در روی سکه و نقش بلبلی بر شاخساری از گل در پشت سکه، سکه نقره دیگری که سکه یادبود است و در نوروز ۱۳۳۹ شمسی با نوشته یا صاحب الزمان علیه السلام و سایز هزار دیناری ضرب شده و دو طرف سکه به یک شکل ضرب شده است.

نتیجه‌گیری

انتظار ظهور فردی از سوی خداوند در پایان جهان در تاریخ اسلام به اندازه دیگر ادیان مهم وجدی است، این موضوع در تاریخ اندیشه اسلامی در بین مسلمانان سنی و شیعه وجود دارد و هر یک به گونه‌ای آن را تفسیر و تبیین کرده‌اند، از نظر سیاسی اندیشه مهدویت نقش مهمی در محیط‌های اجتماعی سیاسی و فرهنگی داشته و به عنوان عاملی بنیادین در تحولات و جنبش‌های اصلاح طلبانه و احیاگر وجود داشته است بحث انتظار و بازگشت امام زمان علیه السلام از جمله مباحثی است که در بسیاری از شئون زندگی خود را نشان می‌دهد اعتقاد به ظهور حضرت مهدی باعث گردیده بسیاری از حکمرانان و پادشاهان نام آن حضرت را در سکه‌های خود بیاورند تا قبل از صفویه نام امام زمان علیه السلام همراه با بقیه ائمه اطهار علیهم السلام آورده می‌شد اما پس از صفویه حکومت‌هایی که روی کار آمدند چون خاستگاه مذهبی نداشتند و مورد الطفات و توجه مردم واقع نمی‌شدند به این خاطر در جهت به دست آوردن مشروعیت مذهبی در صدد بر آمدند نام امام زمان را بر سکه‌های خود نقر نمایند که این عمل پس از فروپاشی صفویان افزایش یافت و در دوره زندیه و ابتدای دوره قاجار به اوج خود رسید اما از دوره فتحعلی شاه قاجار که حکومت قاجار تحت تابعیت و حمایت روسیه و انگلیس درآمد نقر نام امام زمان کمتر شد ولی هیچ‌گاه از بین نرفت و ارادت پادشاهان و احترام آنان به آن امام همچنان تا به امروز باقی مانده است.

منابع

- آصف، محمد هاشم (رستم الحکما)، *رستم التواریخ*، به اهتمام: عزیز الله علیزاده، انتشارات فردوس، ۱۳۸۲ ش.
- آوری، پیترو دیگران، *تاریخ ایران کمبریج افشاریه، قاجاریه، زندیه*، ترجمه: مرتضی ثاقب فر، تهران، انتشارات جامی، ۱۳۸۷ ش.
- _____، *تاریخ معاصر ایران از تأسیس تا انقراض سلسله قاجاریه*، ترجمه: محمد رفیعی مهرآبادی، انتشارات عطایی، ۱۳۶۹ ش.
- اسمیت، جان ماسون، *خروج و عروج سرمداران*، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۱ ش.
- اشیپولر، برتولد، *تاریخ مغول در ایران*، ترجمه: محمود میرآفتاب، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۶۸ ش.
- اقبال آشتیانی، عباس، *تاریخ ایران پس از اسلام از صدر اسلام تا انقراض قاجار*، نشر نامک، ۱۳۷۸ ش.
- _____، *تاریخ مغول*، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۶۴ ش.
- بیانی، شیرین، *مغولان و حکومت ایلیخانی در ایران*، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۹ ش.
- بویل، جی آ، *تاریخ ایران کمبریج (از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلیخانان)*، ترجمه: حسن انوشه، تهران، ۱۳۶۶ ش.
- خضری، احمد رضا، *تشیع در تاریخ*، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۱ ش.
- سیوری، راجر، *در باب صفویان*، ترجمه: رمضان علی روح‌اللهی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۰ ش.
- شاهد، احمد، *سیری در سکه‌های شاهان ایران از آغاز تا پایان ضرب سکه*، اسفراین، انتشارات آستون، ۱۳۸۹ ش.
- شعبانی، رضا، *مختصر تاریخ ایران در دوره‌های افشاریه و زندیه*، انتشارات سخن، ۱۳۷۸ ش.
- طباطبایی، سید جمال‌الدین، *رسم الخط ایغوری و سیری در سکه‌شناسی*، نشریه شماره ۶، موزه آذربایجان، آبان ۱۳۵۱ ش.
- قائینی، فرزانه، *سکه‌های دوره صفویه (سکه‌شناسی)*، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی پازینه، ۱۳۸۸ ش.

- قمی میرزا ابوالقاسم، *جامع الشتات*، تهران، بی نا، ۱۳۹۶ ق.
- گلستانه، ابوالحسین محمد امین، *مجمّل التواریخ پس از نادر*، تهران، شرکت سهامی طبع کتاب، بی تا.
- مرتضوی، منوچهر، *مسائل عصر ایلخانان*، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ ششم، ۱۳۶۴ ش.
- معطوفی، اسدالله، *سکه های طبرستان، گرگان و استرآباد*، تهران، انتشارات پازینه، ۱۳۹۲ ش.
- ملکم، سرجان، *تاریخ ایران*، ترجمه: شیخ محمد اصفهانی، هند، ۱۸۶۷ م.
- Algar Hamid, *Religion and State in Iran 1785-1906*, University of California Press, 1969.
- Rabino di borgomale, H.L. *Album of coins, medals, and seals of the shahs of Iran (1500- 1948)* dited by M.Moshiri ; Amir Kabir publications Organization, 1974.